

ایمان

در حیات طیبه

← مقدمه

در خصوص بحث ایمان مطالب بسیار مهم و متعددی وجود دارد. در ابتدا نمای کلی بحث را ترسیم می‌کنیم و سپس وارد متن اصلی می‌شویم. در بحث ایمان، مجموعه‌ای فراوان از آیات و روایات وجود دارد که علاوه بر تعیین حدود و صغور موضوع، اهمیت و اولویت آن را نیز نشان می‌دهد. نسل جدید در مواجهه مستقیم با موضوع ایمان است. هر ناهنجاری اعتقادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی در جامعه، با موضوع ایمان ارتباطی انکاری ناشدنی دارد. ریشه این ناهنجاری‌ها نقص در ایمان و نداشتن ایمان یا ایمان‌های انحرافی است. در نظام تربیت دینی، زمینه‌سازی هدایت و اصلاح ساختار ایمان‌پذیری مخاطبان در اولویت است و بدون تردید شروع این اولویت در محیط‌های آموزشی اهمیت بسیار زیادی دارد. آشنایی با معنا، ارکان، پشتوانه‌ها، نشانه‌ها، مراتب و درجات، نقاط آغاز نگرانی‌ها، تهدیدها و پاسخ به سؤالات عرصه ایمان، گام مهمی برای ترویج موضوع ایمان و عمل صالح و در نهایت دستیابی به حیات طیبه است. لازم به ذکر است، این بحث اصرار دارد علاوه بر بهره‌گیری از ظاهر منطقی و بسیار متقن و دقیق آیات قرآن، از باطن معنوی و روحانی آن نیز بهره‌مند شود. لذا استفاده وسیع از آیات و روایات و شناور شدن در اقیانوس قرآن و عترت، اولویت بیانی این بحث است.

← ضرورت بحث ایمان

ایمان به‌طور شگفت‌انگیزی عامل همه اعمال و رفتار انسان‌هاست! فرزندان ما با توجه به آگاهی‌ها، شنیده‌ها و دانش‌هایی که به آن باور دارند، در زندگی خود به اقدامات عملی روی می‌آورند و سرنوشت خود را رقم می‌زنند. در واقع، هیچ انسانی بدون ایمان قابل تصور نیست و آنچه در عالم واقع دیده می‌شود، انسان‌هایی با ایمان‌های بدوی، الحادی، توحیدی، مادی‌گرا، حقیقی و مجازی هستند. ساختار ایمان از کودکی در فرزندان شکل می‌گیرد و مدام در حال رشد، تغییر یا تبدیل است. انسان براساس این باورها به اخلاق خاصی پایبند یا دچار سرگردانی می‌شود. هر انسانی براساس

باورهای شبکه شده خود به اقدام و عمل دست می‌زند و لذا حتماً ایمان دارد. مهم در این موضوع، متعلق و موضوع ایمان اوست که او را انسانی مسلمان، بودایی، مسیحی، و یا بی‌دین یا حتی انقلابی، بی‌تفاوت، ضدانقلاب یا لابیالی به اطرافیانش معرفی می‌کند. با توجه به این مطلب، ضرورت ورود به بحث ایمان خودنمایی می‌کند. پاسخ دادن به سؤالات مطرح شده در این بحث برای هرگونه فعالیت آموزشی و تربیتی لازم و ضروری است.

← سؤالات بحث ایمان

برخی از سؤالات موضوع ایمان به این شرح‌اند. ماهیت ایمان چیست؟ ایمان چگونه تولید می‌شود؟ جایگاه ایمان کجاست؟ و ارتباط آن با دل و قلب چیست؟ ویروس‌هایی که در قبل، بعد و حین تولید و زایش ایمان، موجب ابطال ایمان می‌شوند، چیستند؟ ایمان از ناحیه چه عواملی به خطر می‌افتد؟ نقطه ضعف ایمان چیست؟ آیا انسان‌ها با ایمان‌های حداقلی به دنیا می‌آیند و وظیفه آن‌ها در دنیا حفظ و رشد این ایمان‌های عاریتی است؟ آیا ایمان بازگشت‌ناپذیر داریم؟ آیا رستگاری با ایمان مستحکم اما غلط ممکن است؟ آیا استحکام ایمان با برحق بودن ایمان مرتبط است؟ ابزار صحت‌سنجی ایمان درست از ایمان غلط چیست؟ آیا انسان‌ها خودشان از داشتن ایمان باطل مطلع هستند؟ رابطه ایمان با عمل چیست؟ رابطه ایمان با اخلاق چیست؟ رابطه ایمان با تقوا چیست؟ آیا انسان در ایمان دچار خطا می‌شود؟ آیا ایمان باید جامع باشد یا می‌توان به قسمتی از یک مجموعه به‌هم پیوسته ایمان آورد و به بخش دیگر ایمان نیاورد؟ اگر ایمان بدون ثمره و محصول باشد، نشانه نقص در ایمان است یا نقض ایمان؟ اگر افرادی با داشتن ایمان‌هایی که از نظر ما غیرقابل قبول هستند، به نتایج و ثمراتی دست پیدا کردند، این نشان از درستی ایمان آن‌هاست یا خیر؟ در واقع، سؤال مهم ملاک درستی و نادرستی ایمان چیست؟ ایمان آموختنی است یا الهام شدنی؟ نقطه آغاز مسیر

ایمان چیست؟ چرا در قرآن مقدمه ایمان همواره توبه است؟ ایمان کتش قلبی ما به خداست یا پاسخ ما به خدا؟ بستر مناسب رشد ایمان چیست؟ بستر نامناسب ایمان چیست؟ ایمان مولود شور و احساس است یا شعور و عقل؟ نسل جدید با دسترسی فراوانی که در سایه توسعه ارتباطات به وجود آمده است، به سرعت در معرض جواب‌های نابه‌جای این سؤالات قرار می‌گیرد و لازم است پاسخ‌های شیرین منطقی و قابل فهم این سؤالات آماده در دسترس قرار گیرند.

← ویژگی‌های ایمان‌های انحرافی

در دنیای کنونی ایمان در معرض خطرات فراوانی است. اولین خطر از ناحیه ایمان‌های دروغین و قلبی است که با پیوسته ایمان واقعی و برخوردار از بخشی از ثمرات ایمان، خود را در قالب ایمان واقعی به نسل جوان عرضه می‌کنند و مقبول می‌شوند. در این ایمان‌نوعی از آرامش و خودبستگی، امیدوری بی‌حد و انتها، و در نهایت شریعت‌گریزی وجود دارد. ایمان‌های بدون ریشه را می‌توان از طریق نشانه‌های ایمان واقعی شناخت، اما نشانه‌های بارز ایمان دروغین این موارد هستند.

- شریعت‌گریزی و یا تقید به شریعت‌های حداقلی سلیقه‌ای و بی‌پایه غیرمستند.
- آرامش‌های کاذب مقطعی و بیمارگونه و دوره‌ای و کم‌دوام
- شکننده در برابر حوادث و امتحانات خاص مانند پول، شهرت و شهوت
- راحت‌طلبی و سختی‌گزینی افراطی و مخالف فطرت
- لذت‌جویی افراطی و ترک لذت تفریپی

← معنای کلمه ایمان

ایمان از لحاظ لغوی به معنی اعتقاد داشتن، گرویدن، باور کردن و ایمن کردن است. ریشه کلمه ایمان «امن» است که ضدخوف و ترس و نگرانی است. در بیان دیگر، ایمان همان تصدیق قلبی و اقرار زبانی و ضد آن تکذیب قلبی و لسانی

است. در اصطلاح رایج، ایمان داشتن یعنی باور قلبی به امور، مانند ایمان به خدا، رسالت پیامبران و به‌طور خلاصه ایمان به غیب. متکلمین شیعه ایمان را یا معرفت یکسان می‌دانند. شیخ مفید ایمان را علم و معرفت به واقعیت‌های جهان می‌داند که خصوصیتی عقلی و پایدار دارد. سید مرتضی، از علمای بزرگ شیعه در قرن چهارم، ایمان را تصدیق قلبی دانسته و کفر را انکار قلبی. لذا اقرار و انکار زبانی دلیل بر ایمان و کفر نیست. علامه طباطبایی التزام عملی به برخی از لوازم ایمان را در کنار تصدیق ضروری داشتن ایمان می‌داند. در نهایت می‌توان گفت، ایمان به باورهای قلبی و در شرف اقدام انسان‌ها گفته می‌شود، که اگر چه به عمل هم تبدیل نشود، اما در صورت ایجاد شرایط لازم، حتماً به عمل نیز منجر می‌شود.

در خصوص کلمه ایمان یک نکته قابل توجه است: کلمه ایمان در قرآن از ریشه امن است و در آیات مختلف معنای آن تفاوت‌هایی دارد. مهم‌ترین تفاوت را می‌توان در «ایمان» و «ایمان» دید که ایمان با کسره، به معنای باور و عقیده است، مانند سوره آل عمران آیه ۹۳: «رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ». پروردگارا! ما صدای منادی (تو) را شنیدیم که به ایمان دعوت می‌کرد که به پروردگار خود، ایمان بیاورید! و ما ایمان آوردیم. پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و بدی‌های ما را ببوشان! و ما را با نیکان (و در مسیر آن‌ها) بمیران.

و ده‌ها آیه در قرآن با این معنی آمده است. در حالی که ایمان با فتحه به معنای عهد و پیمان و سوگند به کار برده شده است: سوره منافقون، آیه ۲: «اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ».

آن‌ها سوگندهایشان را سیر ساخته‌اند تا مردم را از راه خدا باز دارند و کارهای بسیار بدی انجام می‌دهند!

این کلمه نیز در قرآن بسیار استفاده شده است. لازم به ذکر است، برخی افراد نادان یا مغرض از این بیان استفاده



«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ... لَمْ يَرْتَابُوا» (سورة حجرات، آیه ۱۵).

دومین نشانه ایمان، پرداختن هزینه مادی و گذشتن از متاع دنیاست: «جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ» (سورة التوبه/ آیه ۸۸). **امام صادق** (علیه السلام) فرمود: «المؤمن من طاب مَكْسَبُهُ وَحَسَنَت خَلِيقَتِهِ وَصَحْت سِرِيرَتِهِ وَانْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ وَامْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ كَلَامِهِ». مؤمن کسی است که کسب پاکیزه و خلق نیکو داشته باشد و اضافه مالش را انفاق و اضافه سخنش را ننگه دارد.

سومین نشانه ایمان پرداختن هزینه‌ای بسیار سنگین و نهایی در راه خداست که همانا جان است. «إِنَّ اللَّهَ أَشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (سورة التوبه/ آیه ۱۱۱). «فَمَنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ» (سورة احزاب/ آیه ۲۳).

چهارمین نشانه ایمان صداقت و تصدیق کردن حق است. «وَأُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (سورة حجرات/ آیه ۱۵).

در این خصوص، امام علی (علیه السلام) فرمود: «الْإِيمَانُ أَنْ تُؤْتِرَ الصِّدْقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكُذْبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ» نشانه ایمان برگزیدن راستی است بر دروغ؛ گر چه آن زیان رساند و این سود آورد. همچنین، **امام صادق** (علیه السلام) فرمود: «به طول رکوع و سجود شخص نگاه نکنید؛ همانا عبادت چیزی است که عادت او شده، که اگر ترک کند، وحشت می‌کند. بلکه به صداقت در گفتار و ادای امانت او نگاه کنید.

پنجمین نشانه از ایمان، دوست داشتن خدا و رسول برای خدا و دشمن داشتن دشمنان خدا و رسول است. حتی اگر آنان جزو نزدیکان ما باشند. «يُؤَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (مجادله/ آیه ۲۲). این آیه به مدیریت حب و بغض اشاره دارد. این دو را می‌توان نشانه‌های آشکار ایمان دانست. زیرا در این ایمان، پرداخت هزینه از جنس عاطفه مهر در پرداخت هزینه مال و گاهی حتی بذل جان نیز سخت‌تر است.

ششمین نشانه دیگر ایمان، تسلیم بودن در برابر امر خدا و رسول و امام است: «وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (سورة احزاب/ آیه ۵۶).

کرده و با جایگزینی و ترجمه ناصحیح از آیات قرآن، زمینه درک غلط از قرآن را فراهم می‌آورند؛ از جمله این موارد، استفاده فیلم سینمایی (body of lai) از این ترجمه و آیه است. در این فیلم، شخصیت منفی و خشن فیلم، آیه ۱۲ سوره توبه را قرائت می‌کند: «وَإِنْ نَكَثُوا إِيمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَتَمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّكُمْ يُيْتَهُونَ» اگر پیمان‌های خود را پس از عهد خویش بشکنند و آیین شما را مورد طعن قرار دهند، با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ چرا که آن‌ها پیمانی ندارند. شاید (با شدت عمل) دست بردارند!

و برای توجیه عمل خود، آیه را به غلط این‌گونه ترجمه می‌کند: «با پیشوایان کفر قتال کنید، زیرا آن‌ها ایمان و اعتقاد ندارند. در حالی که ترجمه صحیح آیه، بر نقض عهد و پیمان کافران تأکید دارد و علت قتال با آنان را پیمان‌شکنی می‌داند.»

در کل می‌توان گفت، از میان هفتاد و شش آیه‌ای که ایمان در آن‌ها ذکر شده است، ۳۱ آیه با معنای عقیده و باور و مابقی به معنای عهد و پیمان هستند.

در تعریف ایمان، به پذیرش قلب، اقرار به زبان و عمل ارکان اشاره شده است. در این صورت، هر کدام از قلب، زبان و ارکان بدن، در خصوص ایمان کارکرد خاصی دارد. بخش درونی ناپیدا و غیرقابل ارزیابی و اندازه‌گیری ایمان قلب است که دقیقاً محل ایمان نیز همان جاست. لذا می‌توان گفت، ایمان در قلب ایجاد و محو می‌شود و همان‌طور که تقویت و تضعیف می‌شود، عمل زبان، چشم، گوش، پا و دستان هر کدام در حوزه عمل صالح قرار می‌گیرد. بعدها به آن اشاره می‌کنیم.

← نشانه‌های ایمان

با توجه به موارد یادشده تلاش می‌کنیم براساس آیات کریمه قرآن و کلام ائمه هدی (علیهم السلام اجمعین)، نشانه‌های ایمان را بشناسیم:

اولین نشانه ایمان نبود شک و تردید در اعتقادات و باورهای دینی آنان است:

هفتمین نشانه ایمان، اعتماد به ولی خدا و نهراسیدن از دشمن بسیار بزرگ است؛ پایداری در عرصه‌های سخت که بیم مرگ و شکست در آن می‌رود. در کنار ولی ماندن نشانه ایمان است. «وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ» (سورة انفال/ آیه ۲). «وَصَدَّقَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ» (احزاب/ آیه ۲۲). «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران/ آیه ۱۷۳).

هشتم نشانه ایمان، خضوع قلب در برابر نام و یاد خداست. **نهمین** نشانه ایمان فرزندگی و غیرایستایی بودن آن است: «زَادَتْهُمْ إِيْمَانًا» و این فرزندگی حتی در بهشت نیز ادامه دارد (توبه/ آیه ۱۲۴). «وَيَزِدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا» (المدثر/ آیه ۳۱). امیرالمؤمنین فرمود: «ان الايمان يبدو لَمَظَةً فِي الْقَلْبِ، كَلِمَا اَزَادَ الْاِيْمَانَ اَزَادَاتِ اللَّمَظَةِ»، ایمان در دل آدمی چون نقطه‌ای سفید پدید می‌شود و هر چه بر ایمان افزوده می‌شود، آن نقطه هم فزونی گیرد (حکمت ۲۶۲).

دهمین نشانه ایمان توکل بر خداوند متعال است. «وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (نحل/ آیه ۹۹). امیرالمؤمنین فرمود. «لَا يَصْدُقُ إِيمَانُ عَبْدٍ، حَتَّىٰ يَكُونَ بِمَا فِي يَدَائِهِ اَوْثَقَ مِنْهُ بِمَا فِي يَدِهِ»: ایمان بنده‌ای تصدیق و تأیید نمی‌شود مگر به آنچه در دست خداست اعتماد بیشتری داشته باشد از آنچه در دست خود اوست (حکمت ۳۱۰).



«لَاتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ» (التوبه/ آیه ۲۳).
 ۳. ترس از جنگ (آل عمران/ آیه ۱۶۷).
 ۴. اطاعت کردن از دشمنان و کافران.
 اطاعت کردن به معنی شنیدن و عمل کردن به آنچه اِنان می‌خواهند: «ان تَطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ اُوتُوا الْكِتَابَ» آل عمران/ آیه ۱۰۰.
 ۵. اصرار بر بدی «ثُمَّ اِذْاُدُّوا كُفْرًا» (آل عمران/ آیه ۸۶).
 ۶. چشم بستن بر آیات الهی «و شَهَدُوا اَنَ الرَّسُولَ حَقٌّ» آل عمران/ آیه ۸۶.
 ۷. نداشتن عقل معاشی و محاسبه عاقلانه: «اَشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْاِيْمَانِ» (آل عمران/ آیه ۱۷۷).
 ۸. باز کردن سینه برای پذیرش کفر: «شَرَحَ بِالْكَفْرِ صَدْرًا» (نحل/ آیه ۱۰۶).
 به‌طور خلاصه می‌توان گفت ایمان عاریه‌ای قابل رشد و تبدیل شدن به ایمان مستقر و دائمی و پایدار است. در این شرایط باید از ایمان در برابر کفر مراقبت کرد. مهم‌ترین عامل این مراقبت، دوستی و پیوستگی به خدا و رسول و مدیریت حب و بغض بر مدار خدا، رسول و ائمه هدی است.

← حاصل بی‌ایمانی

ذکر و بیان نتایج بی‌ایمانی نیز برای ادامه این بحث مفید فایده است:
 ۱. عذاب سعیر و دوزخ: «اَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا» (فتح/ آیه ۱۳): «اَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا اَلِيمًا» (اسرا/ آیه ۱۰).
 ۲. گمراهی و انکار شدید: «وَالضَّالِّ الْبَعِيدِ» (سبا/ آیه ۸).
 ۳. ایجاد تفرغ و اشمئزاز قلبی از یکتاپرستان: «اَشْمَأَزَّتْ قُلُوبٌ» (زمر/ آیه ۴۵).
 ۴. سرگردانی در دنیا و کج‌اندیشی: «زَيَّنَّا لَهُمْ اَعْمَالَهُمْ» (نمل/ آیه ۴). «فِي رِيحِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ» (توبه/ آیه ۴۵).
 ۵. انحراف از راه راست: «عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّاكِبُونَ» (مؤمنون/ آیه ۷۴).
 ۶. انکار قلبی و ناپنایی قلبی و استکبار: «قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ» (نحل/ آیه ۲۲): «و حَجَابًا مَّسْتُورًا». (الاسرا/ آیه ۴۵).
 ۷. دروغ‌گویی و تکذیب حقایق: «و اُولٰئِكَ هُمُ الْكٰذِبُونَ».

← متعلقات ایمان

درباره متعلقات ایمان باید به هشت مورد اشاره کرد. با بررسی آیات فراوان قرآن می‌توان این موارد را بیان کرد. با توجه به فراوانی این آیات، از هر سر فصل به یک مورد اکتفا می‌کنیم. بقیه هم در انتهای بحث خواهند آمد:
 ۱. ایمان به خداوند یکتا: «وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ» (بقره/ آیه ۲۵۶).
 ۲. ایمان به روز قیامت و بازگشت: «لَوْ اٰمَنُوا بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ» (نساء/ آیه ۳۹).
 ۳. ایمان به رسالت پیامبران به‌طور عام: «وَالَّذِينَ اٰمَنُوا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِ» (نساء/ آیه ۱۵۲).
 ۴. ایمان به آنچه خداوند به پیامبرش فرو فرستاده است: «اٰمَنُوا بِمَا نَزَّلْنَا» (نساء/ آیه ۴۷).
 ۵. ایمان به آنچه بر پیامبر اکرم خاتم‌الانبیا نازل شده است: «وَأٰمَنُوا بِمَا نَزَّلَ عَلٰى مُحَمَّدٍ» (محمد/ آیه ۲).
 ۶. ایمان به آیات و نشانه‌های الهی:

ادامه این بحث مفید فایده است:
 ۱. عذاب سعیر و دوزخ: «اَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا» (فتح/ آیه ۱۳): «اَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا اَلِيمًا» (اسرا/ آیه ۱۰).
 ۲. گمراهی و انکار شدید: «وَالضَّالِّ الْبَعِيدِ» (سبا/ آیه ۸).
 ۳. ایجاد تفرغ و اشمئزاز قلبی از یکتاپرستان: «اَشْمَأَزَّتْ قُلُوبٌ» (زمر/ آیه ۴۵).
 ۴. سرگردانی در دنیا و کج‌اندیشی: «زَيَّنَّا لَهُمْ اَعْمَالَهُمْ» (نمل/ آیه ۴). «فِي رِيحِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ» (توبه/ آیه ۴۵).
 ۵. انحراف از راه راست: «عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّاكِبُونَ» (مؤمنون/ آیه ۷۴).
 ۶. انکار قلبی و ناپنایی قلبی و استکبار: «قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ» (نحل/ آیه ۲۲): «و حَجَابًا مَّسْتُورًا». (الاسرا/ آیه ۴۵).
 ۷. دروغ‌گویی و تکذیب حقایق: «و اُولٰئِكَ هُمُ الْكٰذِبُونَ».
 ۸. هم‌نشینی با شیطان: «وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطٰنَ لَهُ قَرِيْنًا فَسَآءَ قَرِيْنًا» (نساء/ آیه ۳۸).
 موارد یاد شده هشتگانه، نتایج ناشتن ایمان به متعلقات قلبی است.
 به‌طور خلاصه، در این بخش به معنا، انواع ایمان و نشانه‌های آن و همین‌طور بحث متعلقات ایمان و عواقب بی‌ایمانی از نگاه قرآن پرداختیم. در بخش بعد، به بحث کاربردی مقدمات ایمان و تقسیمات آن وارد می‌شویم. ■

یازدهمین نشانه ایمان سودآوری و نفع‌رسانی است. یعنی ایمانی که باعث نفع و سود مادی و اخروی نشود، ایمان نیست و مدعی آن از آزمایش ایمان مردود می‌شود. «فَتَفَعَّلَهَا اِيْمَانُهَا» (یونس/ آیه ۹۸).

دوادمین نشانه ایمان وجود سکینه و آرامش در وجود انسان است. اضطراب، تشویش، ناآرامی و نگرانی نشانه ایمان ضعیف یا بی‌ایمانی است: «السَّكِيْنَةُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِيْنَ» (فتح/ آیه ۴).

سیزدهمین نشانه ایمان پویایی و گسترش ایمان در فرزندان و ذریه انسان است: «وَاتَّبَعْتَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ بِاِيْمَانٍ» لذا داشتن فرزندان صالح از نشانه‌های ایمان است. آنچه از باب آزمایش یا خروج از ایمان فرزندان (مَنْ كَفَرَ بِاللّٰهِ مِنْ بَعْدِ اِيْمَانِهٖ) دیده می‌شود، از این قاعده مستثناست (الطور/ آیه ۲۱).

چهاردهمین نشانه ایمان نداشتن کینه و حسد (غلا للذین اٰمَنُوا) نسبت به سایر مؤمنان است. (حشر/ آیه ۱۰).

پانزدهمین نشانه ایمان سکونت در دارالایمان و هجرت برای خدا از دارالکفر است (حشر/ آیه ۹).

← دلایل خروج از ایمان و ورود به کفر

۱. ظلم: «وَ لَمْ يَلْبِسُوْا اِيْمَانَهُمْ بِظُلْمٍ» (انعام/ آیه ۸۲).
 ۲. دوست‌گزینی از بین کافران